



از: ا. اردشیر

سیمای مشروطیت ایران

نخوانده و بی خبر هم نیلسوفانه ،
سرتکان میدهند و این سخن یاره
را چون آیات آسمانی تکرار
میکنند .

مشروطیت ایران ، محصول
تکاپوی یکصد ساله ایرانیان است ،
از وقتی که حکومت شاهان صفوی
نخستین بار حدود مملکت را مقرر
و معین کرده ، در سراسر آب و
خاک ایران ، مرکزیتی فراهم
آوردند ، از روزی که بر اثر ایلغار
شاهان عثمانی ، بسته شدن راه
تجارت آسیا سوداگران اروپائی
دسته دسته راه هند و ایران را
سپردند آن رکود و سکوت دوران
مغول جا بجوش و تکاپوی امید
آوری داد .

سفلگانی که تا ناخن پایشان از
برکت دراهم انگلستان پرورده
واطاعت سودجویان لندن تا سویدای
دلشان جا گرفته است چنین گفته اند
که گویا نهضت مشروطه خواهی
ایرانیان از آنجا که بخاطر
رقابتی که میان تزار و بریطانیا
پدید آمده و با انعقاد عهدنامه های
۱۹۰۷ و ۱۹۱۵ برضایت کشیده
گاهی موازی تمایلات حریف جنوبی
رفته ، پرداخته و ساخته انگلستان
بوده است .

این سخن را اعقاب و احفاد
امیربهادر ، شاهزادگان بلاعقب
قاجاریه ، دکانداران موقوفه خوار
از دهان سخنگویان همان انگلستان ،
برزبان میرانند و پاره مردم درس



باقر خان

از سرداران بزرگ انقلاب

مطالعه و دست راست ستارخان

مرد فداکاری چون میرزا رضای

کرمانی از پادشاه آمد وطنی یازده سال

دولت مستعجل مظفرالدین شاه نطفه

انقلاب هر چه پخته تر گردید و واسط

سال ۱۳۲۴ بیکبار منفجر شد .

مشروطیت ایران عبارت از

آن تمایل عوامل انگلیسی نیست

که بخاطر سرکوب عوامل تزاری

قرنها گذشت تا از این محصلین

فرنگ رفته و سیاحان از فرنگ آمده

حرفهای تازه تری بگوش مردم

خورد . شکست جنگی و سیاسی

خاقان مغفور ، و شدت هم چشمی

روسیه و فرانسه و انگلستان ، مردم

ایران را خیلی بیدار تر ساخت .

مخالفت بارزیم موجود ، بصورت

بدعت های مذهبی و دسته بندیهای

دینی نمایان گردید . از مباحث

پیروان شیخ احمد احسانی و سید

علیمحمد باب بوی مخالفت و تجدد

طلبی می آمد اما قدرت استبداد

بقدری بود که هر اصلاح و خیال

اصلاح طلبانه ، با چماق ترشان و

شکنجه قراولان درباری رو برو

میشد و پیش از خود نمائی از میان

میرفت . مؤلف تاریخ بیداری می

نویسد که وقتی بناصرالدین شاه

خبر دادند جماعتی در یکی از

خانه های سنگلج گرد هم آمده و

گفتگوی اصلاحات مملکتی را پیش

آورده اند شاه دردم فرمان احضارشان

را داد و جمله را در چاهی افکنده

یکایک را با هفت تیر مقنول ساخته

نفس آسوده کشید .

با اینهمه چون ظلم به نهایت

رسید ، تاب و توان مردم از دست

رفت . تا ناصرالدین شاه بدست



مشروطیت ما ۳-رچه از
تقاضای «عزل عسگر گاری
چی» و «برگرداندن طلاب
اردیل» آغاز شد اما سیمای
واقعی آن در واقعه بمباران،
در باریکادیازده ماهه تبریز،
در فتح تهران، در مخالفت
با اولتیماتوم ۱۹۱۱، در
مخالفت با قرارداد ۱۹۱۹،
در صحنه انقلاب گیلان، در
قیام خیابانی، در حوزہ های
مخفی کارگری ایام رضا
شاه، در اعتصاب دلیرانه
۱۳۰۹، در دفاع دلیرانه
۵۳ نفر و در حوادث
عمیق و انقلابی بعد از
شهر یور بخوبی و نیکی بچشم
میخورد.

رجال مشروطه هم
بخلاف آنچه گفته اند
سعدالدوله ها و تقی زاده ها
نبوده اند و نخواهند بود.
افتخار رهبری مبارزه
حق طلبان ۴- ملت با حیدر
عمواغلی، ستارخان، عالی

پیرم خان پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
سرداری دلیر و مدیر بود.
همه جا پیشاپیش صفوف انقلابیون
نبرد می کرد و سرانجام در همدان
شہید شد.

از نارضایی مردم استفاده کرده و
دژیسم حکومت را تغییر داده و
بدست کسان خود وا گذاشتند.



عباس آقا تبریزی

فدائی دلیری بود که جلو
مجلس اتابک وزیر مستبد محمد
علیشاه و دشمن بزرگ آزادیخواهان
را از پای درآورد و خود همانجا
شهید شد. فداکاری او در تسریع
کار آزاد مردان تاثیر فراوان
داشت.

مسیو، باقر خان، یار محمد خان،
سلیمان میرزا، یحیی میرزا،
خیابانی، انقلابیون گیلان
نمایندگان «کنگره انزلی»
رهبران نخستین اتحادیه های
کارگری ایران، هسته
مترقی حزب اجتماعیون
نمایندگان کنگره دوم
«ارومیه»، اعتصابیون ۱۳۰۹
محبوسین سیاسی قصر
حجازی ها، علی امیدها،
اردشیرها، فرخی ها،
ارانی ها و تیرباران شدگان
آذربایجان و کردستان و
آبادان و همین چند روز
پیش تهران است!

مشروطیت صدائی نبود که
یکباره برآید و یکباره خاموش
شود. حرفی نبود که بر زبان رود
و دردم از یادها محو گردد.

آروز خلق ایران رهنمایان
دلسوز و مبارز کمتر داشت که آتش
پیکار راصیما نه و متحد برافروزند
و پایدار مانند. امروز پیش قراول
آبدیده ای چون کارگردارد که توده
وسیع دهاقین و صنعتگران شهری

این صدای مداوم و پیگیر
خلق ایران است که آروز از
خودکامی ملک داران و اعوان
قاجاریه می نالید و امروز از بیداد
صاحبان کارخانه و صاحبان اراضی
هر دو شکوه دارد.

ستارخان

از میان مردم برخاسته بود و به پشتیبانی مردم کار انقلاب را پیش می برد. نخستین بار در مساجد برای دستگیری اکرام السلطان نام او بر سر زبانها افتاد.

مردی دلیر، خوددار و بی ادعا بود. در جنگهای تبریز دلیربهای بسیار نمود و به پشتکار و اراده مردانه او بود که تبریز در برابر قشون محمد علی شاه تسلیم نشد و سرانجام پیروز گردید.

از دوستان نزدیک حیدر عموغلی بود و جز بامشورت او کار نیکرد. او هم از کسانی بود که وقتی انقلاب از سیرعادی خود منحرف گردید راننده و گوشه گیر شد.



کریم ذواتگر

بقصد کشتن شیخ فضل الله دشمن بزرگ مشروطه خواهان جان خود را فدا کرد.

سلام و افتخار بر دلاوران
تهپیدست روشن فکران را بدنبال

سلام و افتخار بر انقلابیون
میکشد و بر ضد رژیم پوسیده
بورژوا - فتودال امروزی که

سلام بر کارگران خوزستان.
باستظهار تمام دنیای سرمایه داری
از حکومت ایسلند گرفته تا جمهوری

تهرن
ایالات متحده در مقابل خواستها و
آرمانهای مردم دیوار میکشد،

سلام بر حیدر عموغلی،
برپا میخیزد.
ستارخان، سلیمان میرزا، دکتر
ینست سیمای حقیقی مشروطیت

ایرانی، چهره های درخشان مشروطیت
ایران!